

فصل ۱

مقدمه و درباره ی سیستم

۱-۱-مقدمه

۱-۱-۱- معرفی موضوع :

زبان‌شناسان عموماً زبان را به صورت مجموعه‌ای پیچیده‌ای از نظام‌های مجرد و ذهنی تعریف می‌کنند که افراد بشر از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین تعریف نخست زبان یک پدیده‌ی مجرد و غیر مادی است. از سوی دیگر می‌توان گفت زبان نظامی است که قادر است اندیشه را به آوا و آوا را به اندیشه تبدیل کند. آوا موجودیتی مادی دارد، درحقیقت امواج هوا است که از طریق گوش شنیده می‌شود؛ پس نمی‌تواند جزو نظام ذهنی به شمار آید بلکه بایستی آن را برون داد و محصول زبان دانست. آوا نشانه‌ای مادی است برای نظام‌های مجرد و ذهنی زبان. امروزه، مطالعات زبان شناختی در هرگوشه‌ی جهان جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده اند و بررسی‌های واج شناختی از دیدگاه‌های مختلف نظری مطرح گردیده‌اند.

یکی از مطرح‌ترین و جامع‌ترین این نظریه‌ها نظریه‌ی واج‌شناسی زایشی معیار^۱، انگاره‌ی

چامسکی و هاله^۲، می‌باشد که مبنای نظری رساله‌ی حاضر را نیز تشکیل می‌دهد. این نظریه تا به

1. Standard Generative Phonology

2. Chomsky and Halle Model

امروز جایگاه محوری خود را کماکان حفظ نموده ، و کلیات و اصول آن الهام بخش سایر نظریات پسازایشی قرار گرفته اند.

تحقیق حاضر به بررسی واج شناسی گویشی سیستانی ، گونه ی سرحدی ، از دیدگاه نظریه ی واج شناسی معیار پرداخته است. ادعا شده که گویش سیستانی یکی از گویش های اصیل و کهن خطه ی ایران زمین است که از ویژگی ها و صفاتی ممیز برخوردار می باشد. نگارنده ی این پایان نامه تلاش نموده تا به توصیف و ضبط جنبه هایی از نظام آوایی این گویش کهن بپردازد . باشد که این کار گامی موثر در جهت جذب و فراخوانی سایر پژوهش گران علاقه مند به این رشته از مطالعات زبان شناختی قرار گیرد.

۱-۱-۲- بیان مسئله :

کشورمان ایران ، کشوری چند زبانه وبا گویش های بسیار است . وهمچنین اقوام مختلفی را در درون مرزهای خود جای داده است. گویش سیستانی دارای ویژگی های آوایی ، ساختاری و واژگانی متمایزی از فارسی معیار می باشد. فهم ساختارها و آوای گویش سیستانی برای فارسی زبانان معیار تقریباً مشکل می باشد. بنابراین ، اگر این گویش مورد بررسی قرار گیرد ، همخوانها ، واکه ها ، ساخت هجایی الگوهای زبر زنجیری و قاعده های واجی را می توانیم تا حدی بازنمایی کنیم .

گویش سیستانی دارای ویژگی های فرهنگی و ساختاری بکری می باشد که بررسی آن می تواند به روشن ساختن بخشی از ناگفته ها و نکات مبهم تاریخ و فرهنگ ایران کمک کند.

این تحقیق ، توصیف و بررسی گونه ی سرحدی از گویش سیستانی است. اما نباید اینچنین پنداشت که در بخش های دیگر جاری نیست . این گویش در دور دست ترین روستاهای سیستان شناخته شده است. دیگر آن که، اصولاً تفاوت های گفتاری حوزه های متفاوت سیستان زیر بنایی نیست ، اما به روشنی قابل تشخیص است . پاره ای از این تفاوت ها واژگانی است و پاره ای آوایی؛ اما، مانع تفاهم نمی شود.

در این تحقیق، نظام آوایی گویش سیستانی بر اساس گونه‌ی زبانی مردم روستای ملارضا، دهستان دولت آباد توصیف و بررسی می‌شود. روستای ملارضا (سرحدی) از روستاهای کم جمعیت دهستان دولت آباد از توابع بخش شیب آب زابل است که در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان زابل واقع شده است.

تحقیق حاضر به توصیف نظام آوایی گویش سیستانی گونه‌ی سرحدی به روش انگاره‌ی زایشی معیار یا انگاره‌ی خطی SPE^۱ بدان گونه که در کنستویج و کیسه برت (۱۹۷۹) شرح شده، پرداخته است. مسلماً این نوشته جامع و مانع نیست، با این همه، امید است بتواند به عنوان منبعی قابل اتکا، همچنین، الگویی برای کارهای بعدی، توسط سایر زبان شناسان و گویش شناسان علاقه مند به بررسی‌های واج شناختی مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۳-۱- هدف و اهمیت تحقیق :

مطالعات واج شناختی، همواره، به عنوان یکی از شاخه‌های علم زبان شناسی، مورد توجه بسیار بوده اند. در حال حاضر نظریه‌های پسا زایشی گوناگون، این مطالعات را در مرحله جهشی جدیدی قرار داده اند که از ملزومات آن بررسی هرچه بیش تر گونه‌ها و گویش‌های موجود است. نظریه‌های زایشی و پسازایشی در مبانی و روش یکسانند، بنابراین، استفاده از شیوه‌ی آشناتر SPE بهتر توجیه می‌شود. اما، نظریه‌های پسا زایشی نوین، هنوز، آن طور که باید به جامعه‌ی زبان شناسی ایران معرفی نشده‌اند؛ حتی، می‌توان ادعا نمود که کماکان جای بررسی‌های سنتی تر زایشی (در چهارچوب انگاره واج شناسی زایشی معیار) نیز، در رابطه با گونه‌های ایرانی خالی است. تردیدی نیست که چنین پژوهش‌هایی باید انجام پذیرند تا راه برای معرفی انگاره‌های پسا زایشی در بستر آنها فراهم گردد.

با این وجود، در تحقیق حاضر، نگارنده سه هدف را مد نظر قرار داده است.

1. The Sound Pattern of English

الف) هدف نظری:

باین کار داده هایی از گویشی واقعی که رایج و زنده است می تواند ارائه شود.

ب) هدف توصیفی:

با این کارگویی که ویژگی های تلفظی خاص خود را دارد و تابه حال، مطالعات کمی صورت گرفته، توصیف می گردد، و قبل از فراموشی این گویش، جنبه هایی از آن ثبت می شود.

پ) هدف کاربردی:

بانتایج به دست آمده از این پژوهش، می توان مواد زبانی را در دسترس دانشجویان و استادان زبانشناسی و نظریه پردازها قرار داد که بر اساس آن بتوانند با داده های واقعی و جدیدی کار کنند.

۱-۱-۴- سوالات تحقیق:

پژوهش گر، در جریان انجام پژوهش حاضر، پرسش های زیر را در ذهن داشته است:

۱-۱-۴-۱- آیا گویش سیستانی، واژه های منحصر به فرد خود را دارد؟

۱-۱-۴-۲- آیا گویش سیستانی، همخوان های منحصر به فرد خود را دارد؟

۱-۱-۴-۳- آیا گویش سیستانی، ویژگی های زبر زنجیری منحصر به فرد خود را دارد؟

۱-۱-۴-۴- شاخص ترین فرایند گویش سیستانی گونه ی سرحدی کدام است؟

۱-۱-۵- فرضیه های تحقیق:

در رویارویی با پژوهش های فوق الذکر، و پس از گردآوری و آوانویسی پیکره ی تحقیق فرضیه های زیر مطرح شدند.

۱-۱-۵-۱- گویش سیستانی، واژه ها و همخوان های خاص خود را دارا می باشد.

۱-۱-۵-۲- در گویش سیستانی، از ویژگی های زبر زنجیری استفاده می شود.

۱-۱-۵-۳ - درگوش سیستانی، کشش واکه ای، مشخصه ای واجی و تمایزدهنده است.

۱-۱-۵-۴ - درگوش سیستانی، واج های شاخصی وجود دارند که در فارسی معیار موجود

نمی باشند .

۱-۱-۶ - سازمان تحقیق

فصل نخست این پایان نامه (فصل حاضر)، تحت «مقدمه و درباره ی سیستان» همچنان که ازعنوان آن برمی آید، تصویری کلی از این پژوهش را در اختیار خواننده قرار می دهد و با معرفی موضوع، چهارچوب نظری گزینش شده، بیان مسئله، اهداف تحقیق، پژوهش هایی که از جنبه ی مسئله ی مطرح شده در ذهن ایجاد شده اند و فرضیه هایی که به شکل حدس و همچنین، موقعیت جغرافیایی، جمعیت، زبان، فرهنگ و برخی جاذبه های، به خواننده ارائه شده اند.

فصل دوم:

تحت عنوان «پیشینه»، تلاش دارد خواننده را به بنیادهای نظری روش شناختی ای مجهز سازد، که همچنین، اشاره دارد به آثار نویسندگانی که پیش از نگارنده ی پژوهش حاضر، از دیدگاه علم زبان شناسی، بر روی این گویش یا گویش های نزدیک به آن کار کرده اند.

فصل سوم:

با عنوان «آواشناسی»، شرحی مفصل پیرامون آوانویسی تفصیلی در اثبات یا ابطال فرضیه های ارائه شده را در خود دارد.

فصل چهارم:

تحت عنوان «واج شناسی سیستانی گونه ی سرحدی» به توصیف زایشی نظام آوایی سیستانی گونه ی سرحدی و درعین حال، توصیفی جامع از دو سطح بازنمایی آوایی و بازنمایی زیرین در این گویش را ارائه می کند.

سرانجام، فصل پنجم، بانام «دست آوردها و پیشنهادهای» خلاصه ای از یافته های پژوهش را، به همراه پیشنهادهای و توصیه های نگارنده، برای دیگر پژوهش گران عرضه می نماید.

۱-۱-۷- محدودیت های تحقیق

هر کار پژوهشی ای، در مراحل انجام و تکمیل خود، با موانع و مشکلاتی مواجه می شود که، به نحوی، بر روند و پیشرفت آن تاثیر می گذارند و تا حدودی، نتیجه ی کار را متاثر می نمایند. پژوهش حاضر، نیز، همچون هر پژوهش دیگری، از این امر مستثنی نبوده است.

این پایان نامه در مراحل تحقیقاتی خود با کاستی هایی مواجه بوده است که عمده ترین آنها موارد ذیل می باشند:

۱- یکی از محدودیت هایی که در مسیر انجام پژوهش حاضر به چشم می خورد، محدود بودن پژوهش های انجام شده در این گونه از گویش سیستانی بود.

۲- مورد دیگری که، تا حدودی، روند پژوهش را به تعویق می انداخت، اعتماد نکردن وجدی نگرفتن مسئله از سوی گویشوران در زمان گردآوری داده ها بود.

۳- از آنجاکه پژوهش گر، خود، گویشورگونه ی مورد بررسی نمی باشد، در زمان گردآوری داده ها به طریق کنترل شده یادشواری های بسیاری مواجه بود تا مفهوم مورد نظر را به گویشوران یک زبانه انتقال دهد.

۴- بعلاوه فراهم نبودن امکانات مسافرتی به کشورهای همسایه و همجوار سیستان، جهت بررسی و مقایسه زبان و گویش های محلی ساکنین آن مناطق، نیز می تواند از عوامل محدودیت تحقیق به حساب آید.

۵- عدم امکان مصاحبه با همه ی گویشوران سیستانی را، نیز، می توان از محدودیت های تحقیق به حساب آورد.

۱-۱-۸-۲- گرد آوری

مصاحبه ها احتمالا معتبرترین نوع داده ها را در مورد یک پدیده ارائه می دهند. بسیاری از مردم مایلند به صورت شفاهی در یک موقعیت رو در رو شرکت کنند. مصاحبه چنین موقعیتی را ممکن می سازد. محقق از طریق مصاحبه می تواند اطلاعاتی را به دست آورد که از طریق سایر ابزار تحقیق دسترسی به آنها امکان ندارد. یک دلیل آن ماهیت تعاملی فرایند مصاحبه است. در مصاحبه، حالات صورت، حرکات بدن، توضیح و تکرار، همگی ابزاری برای معتبر ساختن داده ها هستند. به طور کلی، صاحب نظران دو شیوه گرد آوری نمونه های زبانی را از یکدیگر متمایز ساخته اند: گروهی بر این اعتقادند که باید گویشوران آزادانه صحبت کنند و گرد آورنده به ضبط گفتار آنها بپردازد، که این روش مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد. شیوه دوم که اصطلاحاً «گرد آوری هدایت شده یا تنظیم شده» گفته می شود مبتنی بر استفاده از پرسش نامه است. این روش سهل الوصولتر است. (سامارین، ۱۹۶۰)

در روش گرد آوری تنظیم شده، یک مجموعه پرسش از قبل آماده و به صورت یکسان از پاسخ دهندگان پرسیده می شود. مزیت این روش آنست که داده های محدود و قابل مقایسه ای را ارائه می دهد. پرسش نامه باید دارای چندین بخش باشد. از قبیل واژگان که خود شامل اسامی، صفات، قیود و افعال می باشد، و همچنین جملات و عبارات وصفی، در این تحقیق بیشتر از جملات و عبارات وصفی استفاده شده است.

۱-۱-۸-۲-۱- گزینش گویشوران :

برای تکمیل اطلاعات گنجانده شده در پرسش نامه باید از افراد بومی آن منطقه استفاده کنیم. به منظور مقایسه و تنوع در گویش وران، سعی شد از افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی و همچنین از افراد بی سواد و مسن که ساکن روستای ملارضا بودند، مورد مصاحبه قرار بگیرند، تا، از این طریق، برخی از نمونه ها حاوی اطلاعاتی مربوط به نسل های مختلف باشند. به عقیده نگارنده، گفتار اعضای جوان تر از جنبه ی آوایی، نحو، واژگان، و ساخت واژه، در پاره ای موارد، تا

حدودی ، از گفتار اصیل سیستانی سرحدی متفاوت است ؛ علت این مسئله را در تاثیر گرفتن آنها از گفتار گویش وران زبان فارسی و سایر گویش ها می دانم.

۱-۱-۸-۲- روش گرد آوری:

بعد از هماهنگی های لازم با گویشوران برای هدفمند کردن تحقیق ، از آنها خواسته شد که در فضایی کاملاً راحت و صمیمی ، پاسخگوی پرسش های پرسش نامه باشند . برای راحتی و روانی بیش تر ، پرسش های مربوط به هر گویش ور به وی داده شد ، تا تمرین و مرور نماید.

البته پیش از ضبط هر نمونه ، مشخصات مربوط به آن بخش و همچنین مشخصات شناسنامه ای نمونه در آغاز مصاحبه روی دستگاه ضبط شد و ، نیز، از هر گویشور خواسته شد که هر عبارت یا جمله را دوبار تکرار کند . مدت زمان مصاحبه با هر گویشور در حدود ۱۰ دقیقه تعیین شده بود.

۱-۱-۸-۳- روش تدوین پیکره

نخستین گام ، پس از گرد آوری داده های فوق الذکر ، تهیه ی آوا نوشته ی تفصیلی از نمونه ها با استفاده از الفبای آوانگار بین المللی IPA، ویراست سال ۱۹۹۶ بود . این رویکرد به جهت جامه ی عمل پوشاندن به دو دلیل عمده در پیش گرفته شد: نخست آن که این نظام ، نظام آوانگاری معیار بین المللی است که ، در حال حاضر، تمامی پیکره های مورد بررسی در پژوهش های آوا شناختی و واج شناختی بر مبنای آن تدوین می گردند؛ و دوم آن که ، این الفبا دارای قدرت پیش بینی آواهای جدید و ابزار لازم جهت تدوین نمادهایی جدید برای آنها است . این امکان در الفباهای آوانگار غیر معیار قبلی وجود ندارد.

در بخش آواشناسی سیستانی سرحدی ، کلیه ی گونه های همخوانی و واکه ای موجود در آوا نوشته های تفصیلی فوق الذکر به تفکیک توصیف شده اند. با نظر استاد راهنما ، مقرر گردید که آوا نوشته های تفصیلی پیکره ی پایه ، شامل ویژگی های ذیل باشند :

—جایگاه و شیوه ی فراگویی دقیق ، که با اختصاص نمادی ویژه و یا ترکیبی از نمادها و نشانه های زیر وزبری ، مطابق با امکانات جداول و نمودارهای IPA تدوین گردید؛

- جایگاه دقیق تکیه ی کلمه وپاره گفتار ، که با استفاده از نشانه ی زبری تکیه ی بر روی واکه ی تکیه بر مشخص گردید؛

- دمیدگی ، از طریق اختصاص نشانه ی زبری مربوط بر بالای همخوان دمیده ؛

- خیشومی شدگی ، از طریق اختصاص نشانه ی زبری مربوط بر بالای واکه ی خیشومی شده ؛

- کشیدگی ، از طریق اختصاص نشانه ی کشش در جلوی واکه ی کشیده ؛

- لبی شدگی ، از طریق اختصاص نشانه ی زبری مربوط بر بالای همخوان لبی شده ؛

- واک رفتگی ، از طریق اختصاص نماد زیری / زبری مربوط، همراه با همخوان واک رفته ؛

- نارهیدگی ، از طریق اختصاص نماد زبری مربوط بر بالای همخوان نارهیده ؛

- انفجار خیشومی ، از طریق اختصاص نماد زبری مربوط بر بالای همخوان رهیده در خیشوم؛

- انفجار کناری ، از طریق اختصاص نماد زبری مربوط بر بالای همخوان رهیده در کنار زبان؛

- (در صورت لزوم) استفاده از علائم زیر وزبری دیگر ، برای متمایز کردن آواهایی که به لحاظ جایگاه ویا شیوه ی فراگویی تحت یک طبقه طبیعی قرار می گیرند ؛

- استفاده از نشانه ی پرانتز برای آواهایی که در گونه ی مورد بررسی ، در هنگام فراگویی ، قابل حذف شدن می باشند ؛

- استفاده از نشانه «-» برای تقطیع تکواژی پاره گفتارها ؛

- استفاده از نشانه ی «\$» برای تقطیع هجایی پاره گفتارها ؛

نگارنده ، هم زمان با آوا نویسی پاره گفتارهای ضبط شده ، به محض برخورد با هر آوای جدید ، با استفاده از امکانات جداول و نمودارهای IPA ، آن را از طریق یک نماد و یا ترکیبی از علائم زیر وزبری و نمادها از آواهای دیگر متمایز می نمود.

پس از این مرحله ، نوبت به دسته بندی واژه ها و همخوان ها در طبقه های طبیعی مربوط رسیده این کار با مراجعه به توصیف های سنتی و مختصه ای تهیه شده میسر گردید . همان گونه که پیش از این عنوان شد ، در این مرحله ، تک تک آواها با استفاده از شیوه ی توصیف آوا شناختی سنتی ، و ، بعد از آن ، از طریق استفاده از مجموعه ی مختصه های منحصر به فرد ممیزشان در نظام مختصه ای انگاره ی واج شناسی زایشی معیار ، توصیف گردیدند . از آن جایی که این مختصه ها ، همگی ، از نوع دو وجهی هستند ، مثبت و منفی بودن علامت پیش از هر مختصه به معنای حضور و یا عدم آن مختصه در ارتباط با آواهای مورد بررسی تعبیر گردید . توصیف های سنتی و مختصه ای مزبور ، در مرحله بعد ، مبنای دسته بندی آواها در تحت طبقه های طبیعی قرار گرفتند .

بخش آخر پژوهش آوا شناختی فوق الذکر ، تعیین پیش نظریه ای ساختمان هجا در سطح بازنمایی آوایی در گویش سیستانی سرحدی بود ؛ از آن جایی که واکاوی هجا مستلزم انجام پژوهشی در اندازه های یک پایان نامه مستقل ، در چهار چوب نظریه های نوین هجا می باشد ، این بخش از پژوهش حاضر ، فقط ، به ارائه توصیفی پیش نظریه ای و نخستین از این جنبه از نظام آوایی این گویش اختصاص یافت ، تا ضمن حفظ سنت پژوهش های آوا شناختی از جنبه ی توجه به هجا ، راه گشای پژوهش های بعدی ، نیز ، باشد .

مرحله ی بعد مرحله ی تبیین نظام آوایی گویش سیستانی سرحدی در چهار چوب نظری - روش شناختی برگزیده برای آن بود . این بخش از این پژوهش در گذار از مراحل زیر تکمیل گردید :

-بازبینی آوا نوشته های تفصیلی با هدف کشف قاعده مندی های تلفظی ؛

- کشف تناوب های تکواژی ؛

- کاهش تناوب های آوایی به تناوب های مختصه ای ؛

- کشف بازنمایی های زیرین با استفاده از روش شناسی معیار واج شناسی SPE؛

- صورت بندی فرایند های ناظر بر تبدیل بازنمایی های زیرین کشف شده به بازنمایی های آوایی مشخص شده در تناوب ها ؛

- نمایش کارآیی قاعده های واجی مورد بحث از طریق ارائه ی اشتقاق های واجی ؛

- جا نمایی قاعده های واجی کشف شده در بدنه ی کلی شبکه ی هم بسته ی قاعده های واجی درحوزه ی نظام آوایی ، از طریق مراجعه به بر هم کنش های بالقوه میان این قاعده ها؛

- اظهار نظر مستدل در خصوص کارآیی شبکه ی کشف شده در تمامی سطوح کفایت مشاهده ای ، توصیفی ، و تبیینی ؛ و ، سرانجام ،

- معرفی شبکه ی هم بسته ی قاعده های واجی کشف شده در گستره ی تعریف شده برای پژوهش و توجیه آن .

۱-۲-۲- درباره ی سیستان

۱-۲-۱- حرکت قبایل سکائی

در اراضی آسیای میانه در روزگاران قدیم، وقایع تاریخی جریان دیگری را سیر می نمود. حرکت قبایل صحرانشین آسیای مرکزی که در قرن دوّم قبل از میلاد آغاز شده بود به قبایل ایرانی زبان سکائی و طخاری نیز سرایت کرد. قبایل سکائی و طخاری در تحت فشار هون ها در جهت جنوب غربی به حرکت در آمده ، در اواسط قرن دوّم قبل از میلاد در مسیر علیا و وسطای آمو دریا (جیحون) سکونت گزیدند و در قلع و قمع پادشاهی «یونانی - باکترائی» شرکت کردند ، و باکتریای باستانی به نام ایشان طخارستان خوانده شد.

برخی از گروه های قبایل سکایان به نقاط جنوبی تر ، به سوی منطقه ی مسیر رود هیلمند و دریاچه ی هامون کوچ کردند . و این ناحیه که در عهد باستان «درانگیانه» نامیده می شد، به نام ایشان سیستان (سکستان ، سجستان ، سیستان sakastān؛ sejestān؛ seistān) موسوم گردید و تا کنون نیز نام سکایان را محفوظ داشته است . از میان قبایل طخاری و سکائی چندین سلاله محلی واز آن جمله سلاله ی مشهور کوشانیان که در راس پادشاهی کوشانیان کبیر قرار گرفتند ، برخاستند. در قرن اوّل و دوّم میلادی پادشاهی مزبور شامل اراضی آسیای میانه و افغانستان کنونی و کشمیر و شمال غربی هندوستان می گردید. (ای.م.ارانسکی، ۱۹۷۷).

۱-۲-۲-موقعیت جغرافیایی شهرستان سیستان

منطقه سیستان با مساحت ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع در محدوده جغرافیایی بین ۶۰ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع گردیده است. این منطقه از شمال و شرق به کشور افغانستان، از جنوب به شهرستان زاهدان و از مغرب و شمال غربی به دشت لوت و شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی محدود می شود. حدود ده درصد از نواحی سیستان را اراضی کشاورزی و مابقی را مراتع اطراف دریاچه هامون و ارتفاعات غرب منطقه تشکیل می دهند. از نظر تقسیمات سیاسی سیستان شامل دو شهرستان زابل و زهک و پنج بخش: مرکزی، شیب آب، پشت آب، میانکنگی، شهرکی و نارویی و هفده دهستان با ۹۳۸ روستای مسکونی و ۳۹۶۰۹۹ نفر جمعیت با تراکم ۲۲ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد. شهرستان زابل با جمعیت بالغ بر ۱۵۶۰۳۴ نفر مرکز سیستان می باشد.

۱-۲-۳-ویژگیهای اقلیمی

اقلیم سیستان از نوع بیابانی گرم و خشک می باشد. +۴۵ و -۷ حداکثر و حداقل دما می باشد، و بادهای ۱۲۰ روزه از مهمترین عوامل مؤثر در آب و هوای سیستان است.

۱-۲-۴-جاذبه های تاریخی و تفریحی

۱-۲-۴-۱- شهر سوخته:

شهر سوخته در موقعیت ۵۶ کیلومتری جنوب غرب زابل قرار گرفته است. تمدن هوشمند و خلاق شهر سوخته، به عنوان بزرگترین استقرار شهر نشینی متمدن در نیمه شرقی فلات ایران، نمونه ای منحصر به فرد و حکایت گر واقعی علم، صنعت و فرهنگ گذشته های دور سیستان است. این شهر بزرگ با پنج هزار سال قدمت و ۱۵۱ هکتار مساحت شناسنامه پرافتخار سیستانیان می باشد.

ویژگیهای مهم شهر سوخته:

اولین و بزرگترین استقرار شهر نشینی در شرق فلات ایران که در نهایت صلح و آرامش زندگی می کردند.

- وجود ساختارهای اقتصادی - اجتماعی با تقسیم کار اجتماعی مانند: سفالگر - صنعت گر - فلزگر - سنگ تراش و ...

شواهد به ثبت رسیده از آگاهی آنان از علم پزشکی ، ریاضیات ، نجوم و علوم دیگر (سایت سیستان) .

۱-۲-۴-۲-دهانه غلامان:

دهانه ی غلامان در دو کیلومتری روستای قلعه نو از توابع روستای زهک در بخش شهرکی نارویی سیستان واقع شده است. در این منطقه آثار و خرابه های بسیاری از دوره هخامنشی دیده می شود . آثار موجود در دهانه غلامان در روی یک سلسله بلندیهای طبیعی به درازای ۱/۵ کیلومتر و پهنای ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر در کنار بقایای دلتای قدیمی و خشک سنارود واقع شده است .

ویژگیهای مهم دهانه ی غلامان:

تنها شهر متعارف گزارش شده در دوران هخامنشی وهمچنین، وجود معبد بزرگ به عنوان شاخص باورها و مناسک ویژه مذهب که ، در این منطقه برگزار می شده و ، نیز ، اعطای لقب یاری گر به مردم این دیار از سوی کورش هخامنشی ، اهدا شد . هرودوت میزان مالیات پرداختی این منطقه را پس از مصر اعلام کرده است.

۱-۲-۴-۳-قلعه مچی:

قلعه ی مچی در شش کیلومتری شهر سوخته قرار گرفته که، قدمت آن از تاریخ صفویه است قلعه مچی در ناحیه حوض داران در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان زابل ، حدفاصل شهر سوخته و تاسوکی و در سمت راست جاده زابل به زاهدان قرار گرفته است این قلعه مقر و کاخ فرمانروایی خاندان رئیسی ، فرمانروایان جنوبی سیستان میباشد که با خشت و گل ساخته شده است . ارتفاع تیز قوس ایوان شمالی از زمین ده متر است و دهانه آن ۷/۵ متر پهنا دارد .(سایت سیستان).

۱-۲-۴-۴-قلعه سیکوه:

روستای سیکوه در مسیر جاده زابل به زاهدان در بخش شیب آب می باشد که قدمت آن از دوران قاجار میباشد . سیکوه نام خود را از سه تپه رُسی واقع در داخل شهر می گیرد . دارای دیواری است که دور تا دور شهر و در اطراف دو تپه اصلی ساخته شده است و به شکل دایره ای بی نظم میباشد قلعه روی جنوبی ترین تپه ها بنا شده است و ساختمان قدیمی آن موسوم به قلعه میرکوچک خان می باشد (سایت سیستان).

ویژگیهای مهم قلعه ی سکوهه :

— مرکز برافراشته شدن پرچم ایران در مبارزات با استعمار انگلیس در منطقه

— آخرین کرسی نشین سیستان در دوران قاجار

— ثبت شواهدی ویژه در راستای روند تکامل معماری در منطقه

۱-۲-۴-۵- چاه نیمه:

چاه نیمه در فاصله ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر زابل و در کنار روستای قلعه نو چاله های طبیعی بزرگی وجود دارد که آب مازاد رودخانه هیرمند به وسیله کانالی به آن سرازیر می شود و گنجایش این مخازن حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب است که به صورت دریاچه مصنوعی در آمده است که آب مشروب سیستان و قسمتی از آب کشاورزی را در مواقع بی آبی تامین می کند . پارک جنگلی اطراف دریاچه و باغ وحش آن همراه با منظره آبهای زلال و نیلگون دریاچه ، منظره ای دل فریب و روح بخش را به وجود می آورد (سایت سیستان).

۱-۲-۴-۶- دریاچه هامون (کیانسه)

دریاچه ی هامون، بزرگترین پهنه آبهای شیرین ایران و خاورمیانه که از بقایای دریای تیسکه در اواخر دوران سوم (میوسن - پلیوسن) از دریای تیس جداگردید که هم اکنون دریاچه هامون شامل مجموعه (هامونهای پوزک در شمال شرقی ، سابوری در شمال و هیرمند یا هلمند در غرب سیستان) می باشد و این پهنه وسیع مشتمل بر دریاچه ها، برکه ها، نی زارها و مراتعی که تناوباً تمام یا بخشی از آن بوسیله آب گرفته شده است، و زیستگاه انواع پرنده های مهاجر از جمله فلامینگو، پلیکان ، درنا، کفچه نوک ،انواع اردک و غاز و قو و چنگر (چور) و تاووسک می باشد و یکی از مناطق بسیار زیبا و دیدنی در شرق ایران است که قداست خاصی نیز در نزد زرتشتیان دارد(سایت سیستان).

۱-۲-۴-۷- کوه خواجه (اوشدیم)

کوه خواجه در موقعیت سی کیلومتری جنوب غربی شهرستان زابل قرار دارد . این کوه به صورت برجستگی بازالتی سیاه رنگ در میان دریاچه مقدس هامون به طرز شگفت انگیزی خودنمایی می کند . سلسله آثار موجود در روی این کوه شامل یک بنای وسیع و آتشکده درون آن ، دو قلعه خشتی ،

بقایای راه قدیمی و حصارهای مختلف ، چند زیارتگاه مربوط به دوران اسلامی و تعداد بی شماری قبور سنگی می باشد . این کوه که با ارتفاع تقریبی ۹۰۰ متر به شکل ذو زنقه ای در وسط دریاچه هامون قرار گرفته است که آب هایی در اطراف آن جمع می شود، و مراتع اطراف آن یک منطقه گردشگری و تفریحی دلنشین و زیبایی را به وجود می آورد که ، همه روزه میزبان تعداد زیادی از گردشگران داخلی و خارجی می باشد(سایت سیستان).

۱-۲-۴-۸- رودخانه هیرمند :

رودخانه هیرمند که از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می گیرد و با طی هزار کیلومتر مسافت وارد سیستان می شود تنها منبع آبی این منطقه می باشد .

رود بزرگ هیرمند از رودهای پر آب شرقی فلات ایران و آسیا به شمار می رود، که سالانه میلیاردها متر مکعب آب در آن جریان می یابد و طول آن ۱۱۰۰ کیلومتر است از این رو درازترین رود واقع بین سند و فرات محسوب می گردد رود هیرمند از ارتفاعات بابا در افغانستان (به بلندی ۴۴۰۰ متر) سرچشمه می گیرد و تا محل گردن دیوار به طول ۷۸ کیلومتر از پیچ و خم سنگلاخ های عظیم عبور می کند و پس از طی مسافتی (۱۰۵۰ کیلومتر) وارد دریاچه هامون می شود . هیرمند در محلی به نام جریکه به دوشعبه اصلی به نام های رودخانه ی پریان مشترک و سیستان رود تقسیم می شود. در اوستا از رود هیرمند به نام هئتومن یاد شده که به دریاچه کیانسه (هامون) می ریزد.

۱-۲-۵- زبان

زبان سیستانی شاخه ای از فارسی دری می باشد که به قول فرهنگ شناسان از زبانهای متروک کهن بوده است در سال ۲۵ هجری قمری یعقوب لیث زبان فارسی دری را زبان رسمی ایران کرد . هرگونه از این گویش ها در هر نقطه از سیستان شناخته شده و قابل فهم برای مردم آن منطقه می باشد. این موضوع بدین دلیل است که تفاوت های گفتاری حوزه های متفاوت سیستان زیر بنایی نیست اما قابل تشخیص است . قسمتی از این تفاوت ها واژگانی و پاره ای آوایی است، اما مانع تفاهم نمی شود.(عمرانی، ۱۳۷۸).

۱-۲-۶- صنایع دستی

مردان و زنان سیستان با کمال هنر، صبر، بردباری و ذوق سرشار از خاک، سنگ، فلز، پشم گوسفند، موی بز، چوب و ساقه گیاهان آفریده های زیبایی خلق می کنند که نه تنها جنبه تزئینی دارد بلکه برای فروش به نقاط مختلف ایران صادر می شود و عبارتند از:

سفالگری:

سفالگری که قدمت آن به هزاره سوم قبل از میلاد می رسد نشان دهنده خصایل مذهبی، هنری و اخلاقی می باشد.

گلیم بافی:

(شال بافی) به عنوان زیر انداز، رختخواب، سجاده، خورجین، سیاه چادر، سفره و پستی از انواع گلیم استفاده می شود.

حصیر بافی:

از ساقه نی و از برگ درخت خرما به عنوان زیر انداز و سایه بان و ظروف مختلف و پرده حصیری از حصیر استفاده می شود که قدمت حصیر بافی به ۵۰۰ سال قبل برمی گردد. توتن (قایق گیاهی) که از یک نوع نی به نام لوثی (لوخ) بافته می شود برای جابجایی مردم از دریاچه هامون مورد استفاده قرار می گیرد.

خامه دوزی:

این هنردر روستاهای منطقه سیستان رواج دارد که نقوش آن متشکل از خطوط منحنی است که در جلو لباس، عرقچین، جانماز، پستی و غیره استفاده می شود. سرمه دوزی، آیینه دوزی، سکه دوزی و سیاه دوزی از دیگر صنایع دستی زنان سیستان می باشد.

۱-۲-۷- زیارتگاههای سیستان

سرزمین دارالولایه سیستان که بنا بر اعتقادات مذهبی دارای زیارتگاه های بی شمار است از جمله: (همان منبع)

- زیارت خواجه غلطان

- زیارتگاه بی بی دوست
- زیارتگاه حضرت ابوالفضل
- زیارتگاه امیر المومنین
- زیارتگاه شاهزاده اسماعیل
- زیارتگاه پیر گندم بریان
- زیارتگاه دوازده امام
- زیارتگاه آس حاجی .

فصل دوّم

پیشینه